

نگاه بیرون

از مذاکرات پوتین – ترامپ چه انتظاری می‌رود

theguardian

ترجمه: شهرام زرن‌دار

● صحنه را تصور کنید: ماه مارس ۲۰۱۷ است و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پس از چند ساعت مذاکره با ولادیمیر پوتین از کاخ سفید بیرون می‌آید. گفت‌مان و «زبان بدن» خوب است. آنها به پشت یکدیگر می‌زنند و می‌خندند. ترامپ به رسانه‌ها می‌گوید: روسیه یک شریک بارزش خصوصاً در نبرد علیه داعش است؛ یک شریک راهبردی کلیدی. برای پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهوری روسیه این نوع از مذاکرات دوجانبه همان چیزی است که بیوسته در روابط با همکاران آمریکایی‌اش انتظار داشته و تابه‌حال یک رؤیای ناممکن به نظر می‌رسیده است. انتخاب ترامپ برای پوتین بهترین سناریویی بوده که ناگاه‌تر بهتر از بهتر شد. اما عقلا در مسکو می‌دانند این سناریو در واقع بدتر از بد است زیرا روابط بین پوتین و هیلاری کلینتون تند و تیز اما در چارچوبی پیش‌بینی‌پذیر بود؛ درحالی‌که اکنون احکام و قوانین معمولی بازی احتمالاً نامربوط شده‌اند. وحیم و دراماتیک‌شدن روابط بین پوتین و رجب طیب اردوغان پس از سرنگون‌کردن جنگنده روسیه به وسیله ترکیه نمونه‌ای است که روشن می‌کند امور چگونه و با چه سرعتی می‌تواند تحت‌تاثیر شخصیت رهبرانی که برایشان قدرت‌نمایی در اولویت است، قرار گیرد و به سوی وخامت برود. گفتنی است؛ برخی از جمهوری‌خواهان تندرو (بازها) در اطراف ترامپ هستند و مراقب ام‌وند. الکسی وِزینکوف، سردبیر ایستگاه رادیویی اکو موسکوی گفته: «شاید آنها در کرملین درحال حاضر از نتیجه انتخابات راضی باشند اما بعدها به این نتیجه برسند که این اتفاق، اتفاق خوبی نبوده است. فقط تصور کنید که نماینده سابق ایالات متحده در سازمان ملل جان بولتون، وزیر امور خارجه آمریکا شود، تصورش را نکنید؛ با اینکه برخی از حلقه‌های سیاست‌گذاری روسیه نگران پیش‌بینی‌ناپذیریون ترامپ هستند، به‌نظر می‌رسد او در تمام مدت میزبازات انتخاباتی روسیه کندیدای ترجیح‌داده‌شده کرملین بوده است. روسیه مستقیماً از سوی دولت کنونی ایالات متحده متهم شد که تلاش می‌کند از طریق شبکه‌ای از ارتباطات در سایه با کمپین ترامپ به نفع او (ترامپ) در انتخابات دخالت کند. روسیه در انتظار عمومی تمامی این اتهامات را رد و اع‌الام کرد و در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده دخالتی نداشته و پوتین صراحتاً این اتهامات را «هیزتریک» نامید. سرکنی مارکوف، تحلیلگر سیاسی کرملین، روز چهارشنبه به گاردین گفته که «شاید ما کمی به ویکی‌لیکس کمک کرده باشیم» اما به اینکه روسیه در انتخابات آمریکا دخالت کرده، اعتقاد نداریم. این در حالی است که شماری از نهادها در دستگاه حاکمه روسیه بعد از انتخابات ایالات متحده شادمانی خود را نشان دادند. مارگریتا سیمونیان، رئیس شبکه تلویزیونی راشاتودی که از پشتیبانی مالی کرملین برخوردار است، نیز توییت کرده بود که در روز انتخابات جشن گرفته و پس از پیروزی ترامپ می‌خواسته با اتومبیل برای ابراز مسکوب‌گردد و پرچم آمریکا را در باد تکان دهد. الکسی پوشکوف که تا ماه سپتامبر در مجلس دومای روسیه‌یه مقام ارشد سیاست خارجی بوده، نوشته: «ما نباید از ترامپ انتظار داشته باشیم که به ما عشق بورزد یا به ما هدیه‌ای بدهد. او یک مهن‌پرست و کاسب است. او یک ایدئولوگ نیست، او یک واقع‌گراست و یک رئالیست (واقع‌گرا) زبان جانه‌زنی را می‌فهمد.» او افزود: «ترامپ فرصتی برای فرار از منازعه‌ای داده است که با پیروزی کلینتون امکان آن وجود داشت و این تفاوت بزرگی است.» پوتین یکی از اولین رهبران جهان بود که به ترامپ تبریک گفت. او حتی پیش از آنکه از سخنرانی خود در کرملین برای ابراز امیدواری نسبت به شروع یک دوران طلایی استفاده کند، برای ترامپ پیام فرستاد و گفت: «ما می‌فهمیم که با توجه به کاهش سطح روابط، راه ساده‌ای در پیش نیست اما بارها گفت‌ما وخامت اوضاع روابط بین روسیه و ایالات متحده گناه ما نیست و می‌خواهیم و آماده‌ایم روابط کاملاً خوبی با ایالات متحده برقرار کنیم.» ولادیمیر فروفوف که یک تحلیلگر امور بین‌الملل است گفته: «پیرزوی ترامپ ایالات متحده را در دورانی از ناآرامی و تلاطم فرو خواهد برد و قدرت ایالات متحده را در جهان از بین خواهد برد. انتظار می‌رود روابط ایالات متحده با هم‌پیمانان سردتر شود و آنها در مورد مقابله با روسیه وحشتان را از دست بدهند.» جدا از هرج‌ومرج، در مسکو این امید وجود دارد که ترامپ و پوتین می‌توانند با هم به‌خوبی معامله کنند. بیانیه ترامپ در سخنرانی پیروزی‌اش مبنی بر اینکه «ما با همه ملت‌هایی که مایلند با ما کنار بنایند، کنار خواهیم آمد» به گوش پوتین، طینی موسیقایی دارد، درحالی‌که همین بیان در پایتخت‌های بالتیک وحشت ایجاد کرده است. سخنگوی پوتین هم گفته بود این دو رهبر رویکردهای مشابهی به سیاست خارجی داشته‌اند؛ «اگر سخنرانی پوتین را در نشست والدای به خاطر داشته باشید و آن را با سخنرانی ترامپ مقایسه کنید، به این نتیجه می‌رسید که آنها پیام‌های کلیدی مشابهی درباره سیاست خارجی داشته‌اند. بیرون از کرملین و کاخ سفید و برای جهانیان احتمالا چنین رویکردهایی تکران‌کننده است. از طرف دیگر نگرانی‌هایی نیز نسبت به اینکه در صورت خراب‌شدن اوضاع بین دو کشور، چه اتفاقی خواهد افتاد، وجود دارد. چنان‌که مارف تحلیلگر طرفدار کرملین می‌گوید: «پوتین یک کله‌شق است، ترامپ هم همین‌طور و این احتمالاً مشکل‌ساز خواهد بود.»

یک لنج دیگر نیز در دام دزدان دریایی سومالی افتاد. این خبری است که بیژن بختیار، فرماندار کنارک وقتی از او درباره آخرین وضعیت ملوانان گروگان گرفته‌شده می‌پرسیدیم، داد. او از جزئیات ماجرا اطلاع نداشت و توضیح بیشتر دراین‌باره را به اداره شیلات واگذار کرد. علی‌اصغر مجاهدی، معاون صید و بنادر ماهیگیری شیلات ایران، این خبر را تأیید نکرد و تنها گفت: «آقای بختیار اگر اطلاعات داشتند، به شما می‌گفتند؛ اگر هم نداشتند که چرا گفتند.» هدایت الله میرمرازهی، مدیرکل شیلات سیستان‌وبلوچستان، نیز گفت که بدون هماهنگی نمی‌تواند توضیح خاصی دراین‌باره ارائه کند.

فرماندار کنارک در حالی این خبر را داد که مسئولان مربوطه در روزهای گذشته به‌شدت از توجه رسانه‌ها به مسئله صیادان ایرانی ابراز ناخشنودی کرده‌اند. دستگیری صیادان ایرانی به وسیله گشت ساحلی عربستان سعودی و کویت با افتادن لنج‌های ایرانی در دام دزدان دریایی سومالی موضوع تازه‌ای نیست اما در دو هفته گذشته و بعد از رسیدن خبر فوت دو ماهیگیر ایرانی، بسیار مورد توجه بوده و کار را به راه‌انداختن پوششی برای آزادی آنان در فضای مجازی کشانده است.

تاکنون هشت نفر از آن ۲۱ نفر که در اسفند ۹۳ به وسیله دزدان دریایی سومالی گروگان گرفته شده بودند، جان باخته‌اند. پنج نفر از آنها نیز موفق شدند از دست دزدها فرار کنند و خود را به خانه برسانند. اما آن هشت نفر دیگر قریب به دو سال است که در شرایط سخت و در دست دزدان دریایی گرفتار هستند. همین یک لنج نبوده و سومالیایی‌ها در ماه‌های پایانی سال ۹۳ یک لنج دیگر هم گرفته بودند. این‌طور که گفته می‌شود، آسما قبیق و مشخصی از ایرانیان گرفتار در دست آنها موجود نیست. آن‌طور که بیژن بختیار، فرماندار کنارک، در گفت‌وگو با «شرق» گفت دلیل این نامشخص بودن اطلاعات آن است که لنج‌های ایرانی به طور معمول با حدود ۱۵ نفر از اسلحه جدا می‌شوند اما وقتی کمی از ساحل فاصله‌گرفتند، افرادی را سوار یا پیاده می‌کنند که برخی از آنها نیز جاشوهای پاکستانی هستند. به این ترتیب ما نمی‌دانیم چند ایرانی آنجا گرفتار شده‌اند. بختیار با اشاره به اینکه دزدان دریایی رازگرای لنج‌های ما را می‌گیرند و همین چند روز قبل نیز یک مورد اتفاق افتاده است، گفت: «متأسفانه این یک داستان دنباله‌دار است

دیپلماسی

افزایش تعداد ایرانی‌های ربوده‌شده در سومالی

یک لنج دیگر در دام دزدان دریایی



چون صیادان ایرانی وارد مناطق ناامن می‌شوند و جمهوری اسلامی ایران نیز امکان پشتیبانی از آنها را ندارد.»او با تأکید بر اینکه اطلاعات کامل و دقیقی از وضعیت ایرانیان گروگان‌گرفته‌شده ندارد و اداره شیلات مرجع بهتری برای پاسخ‌گویی دراین‌باره است، گفت: «تا جایی که می‌دانم اکنون ۱۳ ایرانی در سومالی هستند. آنها ۹ نفر را در یک مکان و چهار نفر را در جای دیگری نگهداری می‌کنند.»

نامهخوانی اسناد وروایت خانواده‌ها

بختیار در حالی از دستگیری‌شدن یک لنج دیگر و گرفتاربودن ۱۳ ایرانی سخن گفت که مسئولان اداره شیلات توضیح بیشتری دراین‌باره ندادند. علی‌اصغر مجاهدی، معاون صید و بنادر ماهیگیری شیلات ایران، در گفت‌وگو با «شرق» گفت که نمی‌تواند تعداد ملوانان ایرانی گروگان‌گرفته‌شده را اعلام کند زیرا اسناد اداره شیلات با آنچه مالکان لنج‌ها می‌گویند همخوانی ندارد. او درباره لنجی که به گفته آقای فرماندار چند روز پیش در دام دزدان دریایی افتاده نیز گفت: «آقای بختیار اگر اطلاعات بیشتری داشتند، به شما می‌گفتند. ما در حال حاضر غیر از همان دو فروند، مشکل دیگری نداریم.» مجاهدی که تمایلی به ادامه گفت‌وگو با ما نداشت، تأکید کرد: «باید دید که رسانه‌ای‌کردن این مسائل چقدر به حل آن کمک می‌کند. ما حدود هفت ماه قبل تقریباً به راحل رسیده بودیم اما رسیدن خبر آن به رسانه‌ها باعث شد که بازی به هم خورد و موفق نشدیم.»معاون صید شیلات در پاسخ به این پرسش که راحل شما چه بود، گفت: «گزینه‌های

بعداز انتخاب ترامپ

اولاند نگران برجام، فیصل نگران منطقه

هفت یا هشت دقیقه طول کشیده است. به گزارش ایسنا به‌نقل از خبرگزاری فرانسه، اولاند و ترامپ در یک‌گفت‌وگوی تلفنی درباره مشخص‌شدن مواضع واشنگتن در قبال یک‌سری مسائل، شامل مبارزه با تروریسم، اوکراین، سوریه، برجام و توافق آب‌وهوای پاریس توافق کرده‌اند و برقرار است تا یکدیگر همکاری کنند.
ریک روز پیش‌تر هم خبرگزاری فرانسه خبر داده بود اولاند نامه‌ای به ترامپ نوشته و در آن گفته تمایل دارد فوراً مذاکرات را درخصوص تعدادی از مسائل کلیدی آغاز کند: «آنچه در خطر قرار دارد صلح، مبارزه با تروریسم، وضعیت در خاورمیانه، روابط اقتصادی‌اش و حفظ هر زمین است. تمامی این موضوعات مسائلی هستند که تمایل دارم فوراً با شما به‌خاطر ارزش‌ها و منافع مشترکمان درخصوص آنها مذاکره کنم.»
به نظر می‌رسد اولاند آن‌قدر نگران است که برای مذاکره با ترامپ حتی منتظر پایان‌گرفتن تظاهرات‌های اعتراضی در خیابان‌های آمریکا و آغاز به کار رسمی او در کاخ سفید، نخواهد ماند. این موضوع نقل محافل فکری هم هست. اندیشکده «امریکن اینترپرایز» در مطلبی توافق هسته‌ای با ایران را ناقص توصیف کرده و مدعی شده که ترامپ به طور قانونی می‌تواند توافق برجام را کنار بگذارد؛ اما نتیجه گرفتن «آیا این کار عادلانه‌ای خواهد بود؟ پاسخ به این سؤال میانی است و توافق هسته‌ای هر چقدر هم که ناقص باشد، ترامپ اگر می‌خواهد منافع آمریکا را حفظ کند، باید این توافق را اجرا کند، اما در آرای آن فشار را بر ایران افزایش دهد، دسترسی این‌کشور به دالر را محدود کند، با رفتارهای ایران مقابله و حضور نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس را تقویت کند.»
بولومرگ نیز در مطلبی نوشته توافق اتمی تهران به دردرسر افتاده است. اما اصلی‌ترین علت مخالفت ترامپ و نزدیکان فکری‌اش با برجام، چیست؟ آنها معتقدند توافق هسته‌ای با ایران هیچ نفعی برای آمریکا و حتی متحدان منطقه‌ای آن نداشته؛ درحالی‌که آنها مدعی هستند، ایران منافع کشورهای منطقه را تهدید می‌کند. علاوه بر این، استدلال مخالفان این است که توافق هسته‌ای با ایران، به این کشور حقانیت بخشیده؛ درحالی‌که آمریکا عامل اصلی این توافق بوده است؛ اما راه ایران را

نایب‌رئیس مجلس:

باید انتقادهای درست را بپذیریم

شد: در این بخش ممکن است اروپایی‌ها انتقادهایی نسبت به رعایت حقوق‌بشر در ایران داشته باشند که به اعتقاد من برخی از آنها درست است.
مطهری ادامه داد: ما باید انتقادهای حقوق‌بشری درست را بپذیریم. ضمن اینکه ما نیز باید رعایت حقوق‌بشر در اروپا را مرتباً رصد کنیم. چون در اروپا هم موارد نقض حقوق‌بشر خیلی زیاد است. بنابراین رصد حقوق‌بشر باید رفتاری دوطرفه باشد؛ به این معنی که همان‌طور که آنها ما را رصد می‌کنند، ما هم آنها را رصد و اعتراض‌های خود را اعلام کنیم. آنچه اهمیت دارد این است که اگر انتقاد درستی وجود دارد، ما باید قبول کنیم و لجاجت نداشته باشیم. نماینده مردم تهران در پاسخ به این سؤال که از هم‌اکنون با این استدلال که «دفتر اتحادیه اروپا لانه جاسوسی در ایران خواهد شد»، با این اقدام مخالفت می‌کنند، آیا چنین چیزی

وضعیت صیادان ایرانی هستند، گفت: «انتظار داریم مالکان لنج‌ها و ناخداها مقررات و چارچوبی را که به آنها اعلام می‌شود، رعایت کنند زیرا بی‌توجهی به این چارچوب‌ها برای همه مشکل ایجاد می‌کند.» مجاهدی با اشاره به اینکه در وضعیت فعلی وظیفه داریم از حقوق شهروندان خود دفاع کنیم و حتماً این کار را می‌کنیم، گفت: «پیگیری وضعیت آنها یک سوی ماجراست و سوی دیگر تکرارنشدن این اتفاقات است. صیادان بارها آموزش داده می‌شوند و تعهد می‌دهند که از حدود پرخطر تجاوز نکنند اما باز هم شاهدیم که با این موضوع ساده برخورد کرده و به خاطر ماهی و سود بیشتر وارد این مناطق می‌شوند.»او با تأکید بر اینکه از همه ظرفیت‌های موجود برای آزادی ایرانیان گرفتار در دست دزدان دریایی استفاده می‌کنند، گفت: «نمی‌توانم جزئیات پیگیری‌های مربوطه را بگویم اما ایمن اطمینان را می‌دهم که همه سطوح کشور نگران این مسئله هستند و آن را کانال‌های رسمی و غیررسمی پیگیری می‌کنند.» گفتنی است دیگر مقامات کشورمان نیز در روزهای اخیر همین اطمینان خاطر را داده بودند؛ بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه چندین‌بار تأکید کرده است که پیگیر وضعیت آنها هستند اما از آنجایی که موضوع جان افراد است، بهتر است دراین‌باره اطلاع‌رسانی بیشتری نشود. او همین چند روز قبل در جریان حضور خود در نمایشگاه مطبوعات به «شرق» گفت: «کسانی که کمپین راه انداختند و این مسئله را بیشتر در مرکز توجه قرار دادند، کار را سخت‌تر کرده‌اند.» او افزود: «آمریکا و کشورهای غربی نیز وقتی مشکلات این‌چنینی برای اتباعشان ایجاد می‌شود، به صورت سرسریه و بدون سروصدا به پیگیری آن می‌پردازند تا بهای کمتری پرداخت شود.»قاسمی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا منظور از پیگیری و بهایی که پرداخت می‌شود، به طور مشخص پرداخت مبلغ درخواستی دزدان دریایی است، گفت: «خیر، در سطوح عالی پیگیر موضوع هستیم و تلاش می‌کنیم با حداقل هزینه جان آنها را حفظ کرده و در مرحله دوم آنها را به کشور بازگردانیم. پردازش بیشتر این مسئله کار را پیچیده‌تر می‌کند.»او در واکنش به اینکه «شما درباره عربستان نیز نبود ارتباط دیپلماتیک را بهانه می‌کنید»، گفت: «بله، در آنجا نیز کسانی که به سفارت حمله کردند باید پاسخ‌گو باشند.»

برای بستن قراردادهای اقتصادی با کشورهای اروپایی، چین و روسیه هموار کرده است. هر سه گزینه احتمالی ترامپ برای وزارت خارجه آمریکا نیز درباره برجام پیش‌وگم این‌گونه می‌انداختند. در دیگر سو، کشورهای عربی که تصور می‌کنند یار جدیدی برایشان در رینگ دنیا بر سر کار آمده است، فرصت را غنیمت شمرده و برای برجام نقشه می‌کشند. شاهزاده «ترکی الفیصل»، از مقام‌های ارشد سابق در عربستان سعودی، گفته: «دونالد ترامپ نباید توافق هسته‌ای ایران را با قدرت‌های جهانی لغو کند. ولی باید ایران را به‌خاطر «ایجاد بی‌ثباتی در خاورمیانه» مسئول بداند.» به گزارش روتیرز، شاهزاده ترکی الفیصل، رئیس سابق کنفرانس امنیتی عربستان سعودی و سفیر سابق آن کشور در لندن و واشنگتن، روز پنجشنبه در سخنرانی خود در یک مرکز پژوهشی در شهر واشنگتن، تأکید کرد به اعتقاد او، دونالد ترامپ نباید توافق هسته‌ای را با ایران فسخ کند. «سال‌ها روی این توافق کار شده و برداشت عمومی نه فقط در آمریکا، بلکه در سراسر جهان، این است که این توافق به هدف خود که متوقف‌کننده برنامه‌های هسته‌ای ایران در راستای تولید سلاح‌های اتمی به مدت ۱۵ سال است، رسیده است.» او افزود: «فسخ این توافق به شیوه‌ای عجولانه، پیامدهای پیچیده‌ای خواهد داشت. من نمی‌دانم در صورت لغو این توافق به جای آن چیز دیگری برای مهار برنامه‌های هسته‌ای ایران وجود دارد یا نه؟» ترکی الفیصل توضیح داد از نگاه او این توافق باید نقطه آغازی برای یک طرح درازمدت و دائمی «با هدف جلوگیری از توسعه و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تخریب جمعی در کل منطقه خاورمیانه» باشد. فیصل که عمدتاً مواضع ضد ایرانی دارد، به ترامپ پیشنهاد کرده به ایران درباره آنچه او «سیاست‌های ماجراجویانه و بی‌ثبات‌کننده» در منطقه می‌نامد، هشدار دهد. این اظهارات و مخالفت‌ها با برجام ادامه دارد همان‌طور که فعلاً اجرای این توافق ادامه دارد. مقام‌های ایران گفته‌اند که هرگونه کوتاهی درباره برجام را برخواهند تافت. اینها با توجه به سه دلواپس آمریکایی که گزینه‌های احتمالی وزارت خارجه آمریکا هستند، می‌تواند آینده این توافق را لرزان کند.

وزارت خارجه و قوه قضائیه برگزار شده است، چیست، عنوان کرد: ما اختلاف مبانی در بحث حقوق‌بشر نداریم. اینها با دیدن این مسائل به یکدیگر می‌نگرند. ما اختلاف مبانی داریم، حل‌شدنی نیست؛ مثل حکم قصاص و به‌طورکلی احکام شرعی. نایب‌رئیس مجلس اضافه کرد: البته ما آماده بحث هستیم و می‌توانیم این مبانی را برای طرف مقابل توضیح دهیم و فلسفه بسیاری از احکام را تشریح کنیم. ولی کمتر برای آنها پذیرفتنی است. اتفاقاً این موضوع می‌تواند فرصتی برای تبلیغ اسلام میان غربی‌ها باشد، اما بحث‌هایی هم هست که صرفاً اجتماعی بوده و امور مشترک بین همه انسان‌هاست. اگر آنها در این موارد حرفی دارند، باید جواب بدهیم و اگر انتقاد واردی دارند، باید بپذیریم. همان‌طور که ما هم باید موارد نقض حقوق‌بشر در اروپا را اعلام کنیم و آنها هم باید پاسخ بدهند.

روزنه

روایت رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح از بازداشت «ریگی»:

دستور را دادم و تلفن را قطع کردم

● سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح، در گفت‌وگو با «تسنیم»، با اشاره به دستگیری «عبدالمالک ریگی» گفت: «مسئله عبدالمالک ریگی مسئله سنگینی برای کشور بود. مأموریت به ما داده شد، به سپاه و وزارت اطلاعات گفته شد روی این مسئله کار کنند.» او افزود: «این را هم بدانید اگر قرار بود خبر تعقیب و مراقبت مالک ریگی جایی منتشر شود مسئله و عملیات لو می‌رفت. این وسایل ارتباطی امروزه اعتبار زیادی ندارند، نه موبایل، نه رمزی و نه فیر نوری و نه چیز دیگری قابل اعتماد نبودند و مطمئناً عملیات از این طریق لو می‌رفت. به ما برنامه برخورد با مالک ریگی ابلاغ شده بود؛ اما اینکه عملیات کی و چگونه انجام شود، اعلام نشده بود.»او ادامه داد: «وزارت اطلاعات ریگی را از پاکستان تا دوبی تعقیب کرده بود. در دوبی وقتی «مالک» به بلن هواپیما را گرفت و قطعی شد می‌خواهد با آن هواپیما پرواز و عبور کند، به ما خبر دادند الان وقتش است. به من ساعت ۱۱:۳۰ شب گفتند «هواپیمای ریگی ساعت ۱۲:۱۵ وارد آسمان ایران می‌شود، باید به زمین بنشانید»، درضمن نگفتمند هم که از کدام میز وارد آسمان ایران می‌شود. بلافاصله پس از این اعلام، من دیگر فرصت اجازه‌گرفتن و تنظیم آن را نداشتم، به‌رحال شرایط، شرایط اضطراری بود و در شرایط اضطرار فرمانده اختیار دارد فوراً عمل کند. چون فرصت بسیار کم بود بلافاصله به فرمانده ارتش دستور دادم همه پایگاه‌های پدافند هوایی در دورتازدو مرزها را آماده‌باش داده و منتظر دستور من باشد تا بگویم از کدام مرز به سمت هواپیماهای ریگی بروند.» فیروزآبادی گفت: «این را هم نگفتمند خودم این پیام را مستقیماً به شما ابلاغ می‌کنم، گفتم: مختصات ابلاغ را به فردی می‌دهم که حضوراً برای شما بیآورد. ایشان هم آماده‌باش دادند و فرماندهان پای کار آمدند و بعد از اینکه پیک به ما رسید، ما بلافاصله آن را به فرمانده ارتش رساندیم.»رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح ادامه داد: «مرز بندرباس برای فرمانده ارتش مشخص و قرار شد هواپیمایی را که از آنجا عبور می‌کند، بگیرند. هواپیما ۱۲:۲۰ وارد خاک ایران شد و بلافاصله جنگنده‌ها را به سمت آن هواپیما رساندیم، خلبانان ما به آن هواپیما دستور دادند که فرود بیاید؛ اما خلبان خارجی قبول نکرد و گفت «از آسمان ایران عبور می‌کنم. ما نمی‌دانیم او می‌دانست یا نمی‌دانست. البته وظیفه خلبان است که مقاومت کند و مأموریت خود را انجام دهد؛ او هم مسئولیتی دارد. اگر قرار شود هر کسی بالای سر خلبان بفرستند که «بنشین» و او هم بگوید «چشم، می‌نشینم» که دیگر به او خلبان نمی‌گویند.»او افزود: «خلبان در صحبت‌های اولیه گفت: «من فرود نمی‌آیم و مسیرم جای دیگری است.» چون من دستور قطعی داده بودم که این هواپیما باید بنشیند، ارتش هم بااین‌اساس برنامه‌ریزی کرده و گفته بود «اگر فرود نیایی ما با شما برخورد می‌کنیم.» شلیک هم به سمت آن هواپیما شد، نه به خودش، بلکه به هر دو طرف هواپیما، تا خلبان مطمئن شود ارتش شوخی ندارد و او بالاخره قبول کرد که بیاید و بنشیند. این عملیات زیبایی‌های خاصی داشت و من آن را لطف خداوند می‌دانم.»فیروزآبادی ادامه داد: «اولاً دستور را که دادم، می‌دانستم اگر آن هواپیما را می‌زدند، فردای همان روز من را به دادگاه نظامی می‌فرستادند و می‌گفتند «به چه حساب هواپیما را زدی؟ و به چه حقی مردم می‌کشو؟» و چرا این‌قدر بی‌ارثروی در دنیا برای گناه آن درست کردی؟» ولی من دستور را دادم و تلفن را قطع کردم. ارتش هم باید دستور را اجرا می‌کرد، به‌رحال، هواپیما نشست و ریگی دستگیر شد و مردم از هواپیما بیرون آمدند.»

روایت سیدجعلیلی

اما روایت «سعید جلیلی»، دبیر وقت

شورای‌عالی امنیت ملی، با روایت رئیس وقت

ستاد کل نیروهای مسلح کمی تفاوت دارد؛ آنجایی که جلیلی می‌گوید: «به جناب آقای فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح زنگ زدم و به ایشان اسم را هم نگفتمند فقط یک هواپیمایی است که لطفاً دستور دهید آن را به منزل می‌آدمد و حدود ساعت‌های ۱۱،۱۰ شب بود. برادری زنگ زد و گفت که این‌گونه است و هواپیمایی آن فرد (ریگی) قرار است از (آسمان) ایران رد شود.» او در ادامه گفته بود: «واقعاً همه جوانب را بررسی کردم و بعد تصمیم گرفتم و به او گفتم انجام دهید و او گفت پس شما این را ابلاغ کنید و من همان موقع به جناب آقای فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، زنگ زدم و به ایشان اسم را هم نگفتمند فقط گفتم یک هواپیمایی است که لطفاً دستور دهید آن را بنشانند. آقای فیروزآبادی هم از روی لطفی که به ما داشت اصلاً سؤال نکرد که موضوع چیست و چه کسی است و من هم فقط گفتم یک موضوعی است و این هواپیما را بنشانید.»

ادامه در صفحه ۱۹